



# گفتگو



(ادامه سخنان آقای مرتاضی): ...

درسفری که انسان رنج‌های فراوانی را تحمل می‌کند، حالا اگر یک کت نخرد چه می‌شود؟! باید به حاجیان گوشزد کرد به خاطر این که آبروی مسلمانان و شیعه حفظ شود، از این مسائل و سوده‌های مادی کوچک صرف نظر کنند و بگذرند.

یکی از حضار: با استفاده از مطالبی که به وسیله آقایان بیان شد، پیشنهاد می‌کنم موضوعات مطرح شده مشخص شود و افرادی که صاحب صلاحیت در هر موضوع هستند، مسؤول شوند این موضوعات را مطالعه کنند و بعد در صورت امکان، سمیناری برگزار گردد و تصمیمات نهایی گرفته شود. اگر چنین امکانی وجود نداشت، به صورت پیشنهادهایی به مراجع تقلید، دولت ایران و دولت سعودی و نیز پیشنهادها و تذکراتی به خود مردم ارائه گردد. همان‌طور که جناب آقای مطهری در ابتدای جلسه بیان فرمودند، تاریخچه حج و مناسک آن در مذاهب مختلف اسلامی بررسی شود، شاید بدینوسیله مقداری از گرفتاری‌های آنجا واضح و حل شود؛ یعنی آن مواردی از مناسک که در همه مذاهب مشترک است، مشخص شود و اختلافات هم اگر جزئی است، مورد بحث قرار گیرد و برطرف شود و برخی مسائل فرعی، اگر مستحب است و انجام این مستحبات گاهی موجب زحماتی می‌شود، به زائران تذکر داده شود.

ما، در موسم حج دیدیم که یکی از آقایان

## بررسی مشکلات حاجیان پیش از انقلاب

در میزگردی با حضور علامه شهید مرتضی مطهری (۲)

نوشتار حاضر، دومین و آخرین بخش از میزگرد بررسی مشکلات حاجیان پیش از انقلاب اسلامی است که با حضور علامه شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله برگزار گردیده است. همانگونه که در بخش نخست اشاره شد، در این نشست، که با شرکت برخی صاحب نظران انجام گرفته، گرفتاری‌ها و کاستی‌های فراوان آن روزگار بررسی و راهکارهایی برای اصلاح آن پیشنهاد شده است. خوانندگان گرامی با مطالعه این مطالب و مطالب بخش نخست، به مشکلات و کاستی‌های فراوان حج در گذشته پی برده و عظمت کارها و تلاش‌های انجام گرفته در نظام مقدس جمهوری اسلامی، واقف خواهند شد. با این امید که مشکلات باقی مانده، نیز از سر راه برداشته شود و حاجیان بتوانند با آسودگی خیال به انجام مناسک بپردازند و به موفقیت‌های بزرگ معنوی دست یابند، ان شاء الله.

«میقات حج»

فصلنامه

میقات

فصلنامه فرهنگی اجتماعی  
سیاسی تاریخی

۱۰۸





بررسی مشکلات حاجیان پیش از انقلاب

کандیدا و نامزد کنند که روی این موضوعات، مطالعه‌ای انجام دهند.

**یکی از حضار:** مسأله‌ای را که اکنون بنده خدمت آقایان عرض می‌کنم، نظر حسینیه ارشاد به حساب نیاید، چون پیش از این در جلسه‌ای، مطلبی عرض شد که یکی از دوستان گفت: صلاح نیست شما این را بگویید، چون به حساب حسینیه تمام می‌شود. گفتم من مطلب شخصی

گوسفند ذبح کرده بود، اما روی مسأله‌ای فرعی که یکی از آقایان روحانیون جوان با او مطرح کرده بود، ناچار شد به مشعر برگردد و اعمالی را دو مرتبه انجام دهد! البته برای یک جوان که دو بیست و چند سال سن دارد و نخستین سفر اوست، کمی ناراحت کننده است و باید از به وجود آمدن چنین مسائلی پیش‌گیری کرد. پیشنهاد بنده این است که این موضوعات طرح شود و افرادی که صلاحیت دارند، خود را

میقات

مجله‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی

خودم را می گویم و ارتباطی به حسینیه ندارد. با

این توضیح و مقدمه، باید عرض کنم که مسأله تنها در ذبح یا مسائل دیگر خلاصه نمی شود. مشکلات دیگری هم وجود دارد که جناب آقای مطهری هم توجه داشتند؛ مثلاً:

۱. «قرائت نماز»؛ گاهی دیده می شود افرادی تردید و وحشت دارند که آیا قرائتشان درست انجام شد یا نه! مانند آن موردی که آقای همایون فرمودند که شخصی پس از چهل سال، تلگراف زده بود که حج دیگری برای من انجام دهید؛ چون قرائتم صحیح نبود! بنده پیشنهاد می کنم برای پیش گیری از به وجود آمدن چنین مشکلاتی، در مورد این مسأله هم کار شود. روی همان نواری که از قرائت امام جماعت مسجدالنبی علیه السلام ضبط شده، تعدادی از آقایان تقبل کنند یک قرائت مشترک و ساده ای را تهیه و تکثیر کنند تا همه بتوانند از آن بهره ببرند. یا به صورت صفحه ای در بیاید و آن را میان کاروان ها توزیع کنند که از آن ها استفاده شود و وقت عمده حجاج بر سر قرائت صرف نشود. یکی از دوستان ما که از حج برگشته بود، می گفت: تردید دارم که حج من درست انجام شده یا نه؛ چون حرف «غین» را از مخرج ادا نکردم؟! آیا همسرم بر من حرام است یا حلال. چه کنم...؟!

پس با توجه به این نکات، بنده پیشنهاد می کنم که اگر آقای مطهری موافقت فرمایند متن نماز در یک صفحه یا در یک نوار تهیه شود و در کلاسی که بنا شد برگزار گردد، برای همه،

به صورت ساده بیان و توضیح داده شود.

## ۲. آموزش مناسک؛ معلوم است که

خواندن دفترچه مناسک برای همه، کار مشکلی است. اگر کسی آن را برای زائر تشریح کند آسان تر خواهد بود و بیشتر مردم هم وقت صرف نمی کنند حتی مقداری از آن را خودشان بخوانند. وقت گویندگان کاروان را هم - که باید به مسائل بهتر و واجب تری برسند - می گیرند؛ و به حدی مشغول مناسک می شوند که از اثر تبلیغی و عرفانی حج باز می مانند و آن را درک نمی کنند.

چون افرادی که سفر اولشان است، نمی توانند فضای مثلاً مطاف را تجسم کنند و دائم می پرسند: طواف را از کجا آغاز کنیم؟ چگونه طواف کنیم؟ و... با بیان شفاهی نمی شود حق مطلب را ادا کرد. برای آسان شدن فهم مناسک برای عموم، بهتر است از فیلم یا ماکت هایی که وجود دارد استفاده شود؛ یعنی تمام آداب و مناسک حج، به صورت یک فیلم درآید و آن را از ابتدا، به طور زنده، به خصوص برای آن هایی که به حج نرفته اند، تشریح کند. در این صورت حاجی به آنجا که می رسد، وقت زیادی برای آموختن مناسک صرف نمی کند.

## ۳. ایراد سخنرانی به زبان های گوناگون؛

امسال ملاحظه کردید سخنرانی هایی که در حج ایراد شد، واقعاً با ارزش بود و مورد توجه قرار گرفت.

به عقیده بنده، باید در ایران مطالبی تهیه



شود و در موسم حج، در مکان‌های مختلف و برای تمام مواقع، به زبان عربی، فارسی و حتی اگر ممکن بود ترکی ایراد شود. اجتماعاتی که در آنجا تشکیل می‌شود، واقعاً قابل استفاده است. تصور می‌شد دولت سعودی موانعی ایجاد کند، که دیدیم آن‌ها زیاد مانع نیستند. لازم است برنامه‌ریزی‌هایی انجام گیرد که اجتماعات واحدی از چند کاروان تشکیل شود و چنین نباشد که هر کاروانی، در گوشه‌ای از مسجدالنبی ﷺ دسته‌ای تشکیل دهد!

اکنون با توجه به مطالبی که بیان شد، به نظر می‌رسد باید شخصی به عنوان متصدی، برای پی‌گیری پیشنهادها برگزیده شود؛ یعنی وقتی کمیسیون‌ها و گروه‌هایی تشکیل شد و هر کدام در مورد موضوعی نظری دادند، آن‌ها را تدبیر و مدیریت کند که مثلاً جلسه بعد در کجا برگزار می‌شود و موضوع جلسه چیست و... آنگاه با تلفن همه را دعوت کند و در صورت تغییر مکان جلسه، همه را در جریان بگذارد.

روشن است که افراد زیادی در موضوع حج صاحب نظر هستند و در این هیچ تردیدی نیست. ممکن است راه‌حل‌های صحیحی به نظرشان برسد که قابل استفاده باشد. وضع طوری نباشد که ما به اصطلاح راه را بر چنین افرادی ببندیم. به هر حال، هر کسی نظری دارد که باید بتواند آن را ابراز کند و به وجه احسن از آن بهره برداری شود.

**استاد مطهری:** آن بخش از مطالبی که مربوط به جنبه‌های فقهی حج است و مربوط به آقایان مراجع می‌باشد، باید بگوییم: \* با تجربه‌ای که دارم، فکر می‌کنم که

باید مراجع را تا حدی در مقابل کار انجام شده قرار دهیم. شما اگر بخواهید نامه بنویسید که آقا! بیایید راجع به این موضوع فکر کنید و نظریه بدهید و... معلوم نیست به نتیجه برسید، اما اگر افراد صلاحیت‌داری، کار علمی کنند و نظر خود را بنویسند، بعد آن را در اختیار مراجع و فقها قرار دهیم و بگوییم: این آقایان چنین نظریه‌ای داده‌اند و به این دلایل استدلال کرده‌اند، نظر شما در این باره چیست؟ در این صورت خواهید دید که زیرش امضا می‌کنند که: من هم موافقم. نفر بعدی هم می‌گوید من هم موافقم. راهش این است و این بهتر است.

اگر بخواهید تمام مسؤولیت چنین کاری را به عهده چند نفر بگذارید، کار مشکلی است. ما از جناب آقای موسوی زنجانی هم دعوت کرده بودیم تشریف بیاورند و اظهار علاقه کرده بودند که تشریف بیاورند، لیکن کسل بودند و نیامدند. اگر ایشان حضور داشتند و حضرت آقای جزایری با ایشان و یکی دو نفر دیگر، مسؤل این کار می‌شدند و نظریه خودشان را می‌نوشتند، ممکن بود یکی دو نفر، پنج نفر و یا حتی ده نفر ضمیمه شوند و آن‌ها هم نظرشان را بگویند و بنویسند، بعد ببرند نزد مثلاً آقای (آیت الله) میلانی و نظر ایشان را بپرسند. یا پیش مرجع تقلید دیگر. در این صورت کار درست می‌شود. به نظر می‌رسد راه عملی و تحقق‌یافتنی این است، نه این که شما از ابتدا همه چیز را از آن‌ها بخواهید.

روشن است که با این شیوه به جایی نخواهیم رسید. مسلم است اگر افرادی روی این قضیه به خصوص مطالعه کنند، از هر مرجع تقلیدی بیشتر مطالعه می‌کنند. ما، در این

**استاد مطهری:** پس مسؤولی معین کنیم که از حالا در فکرش باشد. آقایان، الآن پیشنهاد کردند که ما به جناب آقای دکتر پیشنهاد کنیم که ایشان این مسؤولیت را قبول کنند، (به نظر می رسد مراد دکتر جزایری است).

به نظر من، اول باید پیشنهادش تنظیم و روی آن فکر شود، باز هم افرادی مانند آقای دکتر که صلاحیت بیشتری برای این کار دارند، تصمیم بگیرند از چه طریقی و به چه کیفیتی به دولت سعودی پیشنهاد شود.

**دکتر جزایری:** بنده از بیانات همه آقایان استفاده کردم و معلوم است که همه آقایان در این سفر مبارک شرکت کرده اند و مشکلات را از نزدیک دیده اند و با یک اعتقاد کامل می خواهند در رفعم اقدام کنند.

همان طور که فرمودید، مسأله مذبح و ذبح در آن جا یک مشکل واقعی است، امید است این مسأله، با مطالعات آقایان - ان شاء الله - حل شود و الا به آن صورتی که بعضی از دوستان تصور می کنند، می توان با یک سرمایه بزرگ و مفصل، برای تهیه یک سردخانه گام برداشت. به نظر بنده از لحاظ تجاری و مادی به هیچ وجه قابل حل نیست، برای این که تصدیق می کنید سرمایه گذاری اگر به تدریج و در مدت نسبتاً طولانی باشد، می شود تهیه و تحمل کرد، اما در یک روز، یک میلیون و پانصد هزار ذبح، سردخانه عظیمی می خواهد، چگونگی مصرف آن برنامه ریزی مفصل لازم دارد!

به نظر بنده، همان طور که بعضی از آقایان فرمودند، اگر بشود مسأله را از راه شرعی حل

قضیه تجربه داریم. در هر مسأله ای اگر کسی تخصصی کار کند؛ مثلاً یک سال مطالعه نماید، از یک مرجع تقلید بهتر نظر می دهد. به این جهت که مرجع تقلید زمان زیادی ندارد روی مسأله به خصوصی مطالعه کند.

مرحوم آقای بروجردی، گاهی وقتها به فتوایی از شیخ طوسی که می رسید، برایش عجیب بود! می گفت تعجب نکنید. بروید تقسیم کنید وقت شیخ طوسی را به مجموع کتاب هایی که نوشته است. اگر تقسیم کنید، خواهید دید، وقتی را که به مسأله ای خاص اختصاص داده، پنج دقیقه بیشتر نبوده. شخصی که بیش از پنج دقیقه برای مسأله ای فکر نکرده، بهتر از این نمی تواند نظر بدهد. این ایراد به خود همین مراجع حاضر هم الآن وارد است.

\* موضوع دیگری که مورد قبول آقایان واقع شد، تشکیل کلاس بود. اگر روی آن تصمیم می گیرید، با بلند کردن دست، نظر خود را بیان کنید. (دست بلند کردید و تصویب شد. به نظر می رسد کسی مخالف نیست).

من حاضرم مسؤولیت این کار را قبول کنم. حالا افراد صلاحیت داری را برای تشکیل کلاس در نظر بگیریم. حسینیۀ ارشاد قبول کرده ترتیب محل کلاس ها را بدهد.

\* در مورد کاروان نمونه، که من قبلاً پیشنهاد کردم، کسی حرفی نزد. موافق هستید چنین کاروانی تشکیل و تأسیس شود یا نه؟

**یکی از حضار:** این سهل الوصول است؛ به نظر من از کارهای خیلی سهل است.



کرد، این قابل حل تر و بهتر است و الّا در مورد سردخانه، چه کسی سرمایه گذاری کند؟!

نکته دیگر این که فرمودید مشکلاتی هست. البته چنین است، اما تعجب کردم که چرا مشکلات را تقسیم بندی نکردید. بخشی از مشکلات عمومی است، بخشی از آن مربوط به آقایان است و بخش دیگر اختصاص به خانم ها دارد. پیش از آمدن، با حاج خانم صحبت می کردم که ایشان گفتند: من یادداشت هایی را تهیه می کنم که در آن مشکلات اختصاصی خانم ها را می نویسم؛ مشکلاتی که آقایان آن را ندارند و نمی توانند داشته باشند. متأسفانه از نظر روحی و روانی، در میان عده ای از خانم ها مشکلاتی به وجود می آید که برای مردها نقل و بازگو نمی شود و این ها لازم است که حل شود.

به نظر بنده، آقایان باید این مسأله را هم مورد توجه قرار دهند. بقیه موارد که فرمودید البته همه اش درست است؛ همه این مشکلات وجود دارد.

گفته شد که بعضی از مشکلات به دولت های ایران و عربستان مربوط می شود و باید به دست آن ها حل شود. به نظر من اول باید مشکلی را که به دولت کشور خودمان مربوط می شود حل کنیم. در این صورت دیگر فکر نمی کنم احتیاج زیادی به دولت سعودی باشد، جز در یک سری کلیات، که آن ها به نظر من مسأله ثانوی است. ولی این مسائلی که مربوط به دولت ایران است؛ مانند تنظیم و تهیه تذکره، صدور تذکره و... من یقین دارم دولت خودش هم مایل

است به حل این مسائل. لا اقل اگر تذکر داده شود، توجه خواهند کرد که مشکلات رفع شود. به نظر می رسد باید این اقدامات را در ایران انجام دهیم، بعد اگر مشکلی هم در رابطه با دولت سعودی وجود داشت به وسیله خود عمال و مأموران دولت ایران پی گیری شود.

**یکی از حضار:** قرار بر این شد که برای هریک از قسمت ها و بخش ها یک نفر مسؤول انتخاب شود و او این مسائل را پی گیری کند. اکنون برای این که اقدامات زودتر به نتیجه برسد، از میان همین جمعیت برای هر مسؤولی، یک یا دو نفر همکار انتخاب شود تا بتوانند این کارها را سریع دنبال کنند و با مسؤولان بخش ها و کمیسیون ها تشریک مساعی داشته باشند. هم چنین پیشنهاد آقای دکتر جزایری که در مورد مشکلات اختصاصی خانم ها مطرح کردند که البته قبلاً مورد توجه جلسه قرار گرفته بود و صحبت کرده بودیم، گرچه در این جلسه فراموش کردیم مطرح کنیم. من معتمد برای همین مسأله هم مسؤولی انتخاب شود.

**یکی دیگر از حضار:** به نظر می رسد مقدّم بر همه این کارها، کمیسیونی با عنوان «کمیسیون رسیدگی به پیشنهادها» تشکیل شود و پیشنهادهایی را که به نظر آقایان می رسد و مطالعه می کنند، به صورت کتبی به کمیسیون رسیدگی به پیشنهادها بنویسند و کمیسیون آن ها را جمع آوری، دسته بندی و کلاسه کند تا وقت جلسه زیاد گرفته نشود.



## جلسه دوم:

دومین جلسه مشاوره، در مورد رفع اشکالات سفر حج، با تلاوت کلام الله مجید آغاز گردید.

## مدیر جلسه:

بسم الله الرحمن الرحيم، بسیار خوشبختیم که دومین جلسه بحث و مشاوره درباره مسائل مربوط به حج آغاز می شود و متأسفیم از این که عادت همیشگی ما باعث شد، این جلسه هم با تأخیر شروع شود؛ امیدواریم که این موضوع را دوستان و همکاران در نظر بگیرند و سعی کنند وقت آقایانی که با زحمت تشریف می آورند، هدر نرود و فرصت کافی برای بحث داشته باشیم.

در جلسه قبل، هر چند نفر از آقایان، برای رسیدگی به یک موضوع مشخص تعیین شدند که در مورد آن موضوع، با هم مشورت کنند و کمیسیون هایی داشته باشند و اقدامات لازم را انجام دهند.

یکی از آن کمیسیون ها، «کمیسیون مطالعات فقهی» بود و دیگری «تشکیل کلاس آمادگی برای کاروان نمونه» و سومی «کمیسیون برای تماس با دولت ایران» و چهارم «کمیسیون تماس با

گفتگو

میقات

فصلنامه فرهنگی اجتماعی  
سیاسی تاریخی





دولت عربستان سعودی». بعضی از این کمیسیون‌ها در طول دو هفته گذشته، جلساتی داشتند که از طرف هر کمیسیون، یکی از آقایان اعضای کمیسیون گزارش و نتایج جلسات را به عرض آقایان خواهند رساند. از کمیسیون مطالعات فقهی، جناب آقای مطهری بفرمایند.

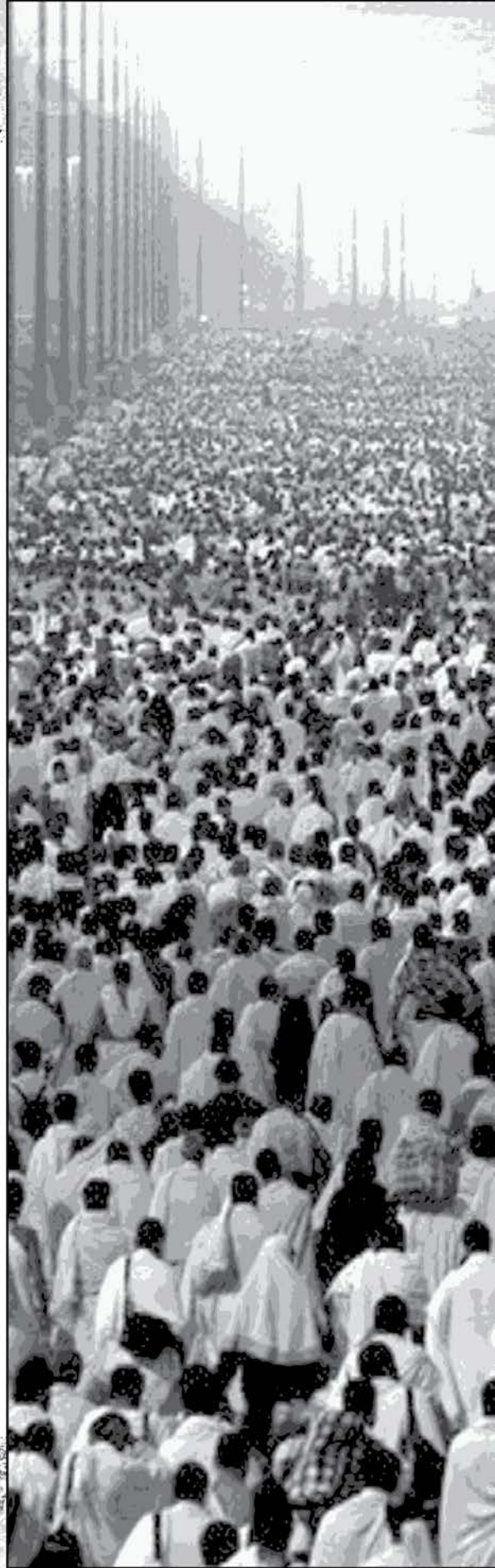
**استاد مطهری:** برای این که آقایان اطلاع داشته باشند چه مقدار کار انجام گرفته، طبق وظیفه‌ای که داشتیم، در هفته گذشته، در منزل حضرت آقای جزایری جلسه‌ای گذاشتیم. اولاً قبل از این که این جلسه تشکیل شود، خود حضرت آقای جزایری، با کسالتی که داشتند و دارند، بعد از این که از این جا می‌روند، با این که خسته می‌شوند و در اثر حضور در این جا و به خاطر چهار - پنج ساعتی که به مطالعه می‌پردازند، عوارض قلبی ایشان عود پیدا می‌کند و هشت - نه ساعتی ناراحت می‌شوند. حضرت آقای زنجانی هم که به اطلاع‌شان رسانده شده بود و ایشان که هم سابقه مطالعه داشتند و هم روی این قضیه مطالعه کرده بودند، بالأخره جلسه‌ای با هم تشکیل دادیم و آقایان تشریف آوردند در منزل آقای جزایری.

بنده و آقای شاهچراغی هم بودیم. از آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی هم، که از فضلالی قم هستند و شب شنبه

بررسی مشکلات حاجیان پیش از انقلاب

میقات

مجله‌نامه فرهنگی اجتماعی  
میهن، تاریخی



گذشته در حسینیه ارشاد بودند و مرد فاضلی هستند و تا اندازه‌ای فراغت دارند، خواهش کردیم در آن جلسه ما شرکت کنند. یک سلسله مذاکرات انجام گرفت. موضوعاتی طرح شد. آقایان نتیجه مطالعات خود را طرح و تبادل نظر کردند و یادداشت‌هایی هم از آن جلسه برداشته شد. آن یادداشت‌ها در اختیار آقایان: (آیت الله) موسوی اردبیلی و شاهچراغی گذاشته شد که این دو نفر، روی این‌ها مطالعه کامل‌تری انجام دهند و نتیجه مطالعاتشان را به صورت یک جزوه، در جلسه‌ای که روز سه شنبه، در هفته بعد تشکیل خواهد شد، ارائه کنند. در آن جلسه هم آقایان نظریات دیگری اگر داشتند بدهند و آن جزوه کاملتر شود و پس از آن تصمیم‌گیری کنیم.

رؤوس موضوعات و مطالب را در آن جلسه مشخص کردیم و تا اندازه‌ای در فروع هم بحث‌هایی شد. این گزارش مختصری است که لازم بود به عرض آقایان برسانم.

**آقای مناچی:** در مورد تشکیل کلاس، قرار بود جناب آقای مطهری مطالعاتی داشته باشند در این که: مطالب کلاس چه باشد و آن را تهیه و تنظیم کنند.

جلسات کلاس چگونه و در چه سطحی باشد؛ سه درجه یا یک درجه؟ و این که چه کسی آن مطالب را طرح کند. و بالاخره، جای کلاس در کجا و نام آن

چه باشد و...

لازم به یادآوری است، جای کلاس، همان تالار جدید است که ان شاءالله قبل از موسم حج آماده شود و کلاس‌ها اعلام و آغاز گردد. از جناب آقای مطهری باید خواهش کنیم که خودشان این برنامه را تهیه بفرمایند. اما راجع به کاروان نمونه، با آقای دکتر نکوفر و آقای دکتر حائری صحبت شد و مقرر گردید که با چند کاروان خوب و دارای صلاحیت صحبت شود که در اینجا به اشکالاتی برخوردیم:

۱. اگر بخواهیم اعلام عمومی کنیم که می‌خواهیم افرادی را به عنوان کاروان نمونه انتخاب کنیم و با کاروانی قرارداد ببندیم، ممکن است این ظن و گمان پیدا شود که هدف ما از این کار، سود و نفع است؛ چنان که سال قبل چنین شد و بعضی‌ها از ما می‌پرسیدند: شما در این میان نفع مادی می‌برید و تجارت راه انداخته‌اید! در حالی که چنین قصد و هدفی در بین نبود و تعدادی از افراد را هم که به کاروان شربت اوغلی معرفی کردیم، آن بنده خدا هم با وضعیت بسیار خوب پذیرفت، حتی نرخش از دیگران کمتر بود و واقعاً هم خوب پذیرایی کرد.

۲. اگر ما به کاروانی پیشنهاد کنیم که مثلاً تعدادی زائر در کلاس‌های ما حضور یافته و با آموزش و آمادگی قصد سفر حج دارند، او از ما خواهد خواست که مثلاً دست کم دویست نفر باشند. حال اگر تعداد افراد به دویست نرسید و



کاروان کامل نشد چه کنیم؟ او که نمی تواند متضرر شود. چون برای دویست نفر جا تهیه می کند. برای همین تعداد، وسایل فراهم می آورد و... بنابراین، ناچاریم به او بگوییم ما نمی توانیم تعدادی معین معرفی کنیم، تعداد نفراتی که در کلاس ما شرکت کنند، آن ها را به شما معرفی خواهیم کرد. در این صورت، او ناگزیر می شود افراد دیگری را ثبت نام کند. اینجا است که ممکن است افراد معرفی شده ما با افراد ثبت نام شده او سختی و همسانی نداشته باشند. این اشکالی است که ما، در سال قبل، در کاروانی که بودیم، داشتیم. افرادی وضع ناجور داشتند. همین سبب شد که بعضی از آقایان پیشنهاد دادند که ما خودمان، کاروانی جداگانه با عنوان «کاروان نمونه» راه اندازی کنیم و به همه اعلام کنیم که این کاروان نمونه، امسال در نظر دارد با هزینه تمام شده، به فلان مبلغ برای سفر حج نام نویسی کند، اگر احتمالاً چیزی از آن پول اضافه ماند، آن را پس می دهد.

البته وقتی کار از روی حساب و کتاب دقیق بود و توانستیم بیان بدهیم و قیمت تمام شده، دقیق به دست آمد و اضافه آن مشخص شد که مثلاً پانصد تومان یا سیصد تومان بود و حق هر کس را پس دادیم، این تأثیر بسیار خوبی دارد و ممکن است همه در مورد ما چنین قضاوت کنند که قصد و هدف ما مادی و تجاری نیست.

اما مطلبی که هست، این است که ما

باید افراد مدیر و تأیید صلاحیت شده ای را انتخاب کنیم و کارها را به آن ها بسپاریم. یکی مثلاً مسؤول تماس با دولت عربستان و کار راه انداز آن جا باشد. اداره غذا و مسائل رفاه را به شخص دیگری بسپاریم. نفر سوم را برای کارهای اداری و تهیه برنامه و... در نظر بگیریم و این ها همه باید دست مزد بگیرند.

چند نفر هم مستخدم لازم است که کاروان ها مبلغی؛ مثلاً دو یا سه هزار تومان از آنان می گیرند و آن بیچاره ها هم - گرچه درست کار نمی کردند - اما برای این که دو هزار تومان کمتر پول بدهند و هزینه سفرشان ارزان تمام شود، زیر بار چنین قراردادی می رفتند.

روشن است اگر بخواهیم کاروان ما نمونه باشد، باید مستخدمان واردی به کار بگیریم و نه تنها از آن ها پول دریافت نکنیم، بلکه باید کارمزدی هم به ایشان بدهیم. با چنین شرایطی می توان کاروان نمونه ای را تدارک دید و راه انداخت.

بالآخره با وجود این دو اشکال، آقایان (دکتر نکوفر و دکتر حائری) وعده دادند که در هر دو مورد مطالعه کنند که آیا اداره چنین کاروانی را به شخصی واگذار کنیم، یا خودمان، با انتخاب مسؤول و مدیری با تجربه، کاروان نمونه ای را تشکیل دهیم.

آقای دکتر نکوفر قول دادند که با چند نفر صحبت کنند. اکنون اگر کسی از آقایان در این باره مطلب و نظری دارد بفرماید تا کار با مطالعه انجام شود.

**مهندس معین فر:** می‌توان با کاروانی صحبت کرد؛ مانند کاری که در سال گذشته حسینیه ارشاد کرد و آقایان با کاروان شربت اوغلی مشرف شدند، اما همان موانعی که فرمودید پیش می‌آید؛ به خصوص که ما برنامه‌ای هم نداریم و تعدادمان مشخص نیست. پس به نظر می‌رسد این عملی نباشد. به نظر من، همان نظر دوم خیلی بهتر است، با این تفاوت که اگر بگویید، هر مقدار پول زیاد آمد، بعداً برمی‌گردانیم، این خودش برای برخی توقع ایجاد خواهد کرد و نتیجه آن این است باید در پایان صورت حساب را بگیرند. اگر صورت حساب و بیلانی باشد، مشکلی ایجاد نمی‌شود، ولی همان توضیح دادن و همان سؤال و جواب، ممکن است ایجاد ناراحتی کند.

به نظر من، رقم عادلانه‌ای تعیین شود و به هنگام نام نویسی به افراد یادآوری گردد که هر مبلغی زیاد آمد، به مصرف فلان کار خیر می‌رسانیم و مورد مصرف را هم روشن می‌کنیم فرض کنید تحقیق و تتبع اسلامی یا چاپ فلان کتاب اسلامی و... البته اعلام آن در همه جا، آن هم از حالا، صحیح نیست چون اگر بنا بر اعلام باشد، باز صورت تجارت و نفع طلبی پیدا خواهد کرد.

و اما در مورد تعداد افراد، بالأخره کسانی هستند که ثبت نام کنند. در میان دوستان خودمان، فرض کنید انجمن‌های اسلامی، افراد زیادی در هر سال به سفر حج می‌روند. در سال گذشته شاید حدود پنج یا شش نفر مشرف

شدند. از میان پزشکان همین‌طور. البته پزشکان که وضعیت دیگری دارند و به حساب خدمت در کاروان‌ها می‌روند، ولی به هر حال انجمن‌های اسلامی افراد داوطلب زیاد دارند. حسینیه ارشاد هم همانطور که شما آقایان و ما می‌شناسیم، شاید همین تعداد که ما در نظر داریم باشند. پنجاه یا شصت نفر هم باشند کفایت می‌کند و هیچ نگرانی وجود ندارد؛ یعنی مسأله، مسأله مشکلی نیست که فکر کنیم حتماً باید به تعداد یک کاروان باشند، بلکه طوری باشد که با آن‌ها منضم شویم. ناراحتی عمده‌ای که وجود دارد، منا است که آن هم چند روزی بیش نیست. تنها در منا است که ساختمان نخواهیم داشت. چه مانعی دارد. در عرفات که هیچ کس ساختمان ندارد. تنها منا است که آن هم سه روز است و به جهت این که سال اول است تدارک قبلی نداشته‌ایم چون نمی‌دانیم تعدادمان چقدر است. این سه روز را در چادر زندگی می‌کنیم، چه مانعی دارد.

چون می‌خواهیم کاروان داری را برنامه‌ریزی و ساماندهی کنیم، اشکالی ندارد که سال اول، دوم یا سوم را در چادر سرکنیم. مگر تا دو - سه سال پیش زائرین چه کار می‌کردند؟! یا مگر الآن همه کاروان‌ها در منا داخل ساختمان هستند؟! پس تنها نگرانی، منا است و مسائل دیگر حل است و مشکلی نخواهیم داشت. اگر حتی ده نفر با هم، همراه یک آشپز حرکت کنند و بروند، می‌توانند یک کاروان باشند. چه رسد به این که شصت یا هفتاد نفر باشیم.



**یکی از حضار:** به نظر من آقای مهندس معین فر موضوع را ساده‌تر از آن چه هست تصور کردند، در حالی که موضوع مشکل‌تر از این حرف‌ها است. چون مسأله راه اندازی کاروان نمونه است، نه این که یک گروه و اکیپ به حج برود. اگر گروهی بخواهد حج مشرف شود، با چهار نفر، پنج نفر و ده نفر هم که باشد، می‌رود. زیر چادر هم می‌ماند و حتی بدون چادر هم می‌شود سرکرد. اما شما می‌خواهید کاروانی نمونه داشته باشید؛ کاروانی که برای دیگر کاروان‌ها نمونه باشد.

**یکی دیگر از حضار:** نواقص کار ما باید از اول کم و حداقل باشد. من فکر می‌کنم، همان گونه که پیش‌تر گفته شد، در آن کمیسیون مربوط باید بیشتر بحث شود و راه حل‌های مختلف بررسی گردد.

شرکت‌کننده دیگر: کاروان نمونه، باید مباحثاً کار را خودش به عهده بگیرد، منتهی در سال‌های اول و دوم چون آشنای به کار نیست، نمی‌تواند از عهده برآید. ولی بالأخره در سال سوم، چهارم و... باید کارها را خودش رأساً انجام دهد و برای این که در جریان باشد و بتواند تجارب لازم را به دست آورد و همه کارها را خودش انجام دهد، مناسب‌تر از همه آن است که شق دوم رعایت شود.

بنده می‌شناسم کسانی را که در خدمت کاروان‌ها هستند و تمام کارهای کاروان را انجام می‌دهند و حقی هم دریافت می‌کنند.

ما می‌توانیم از چنین افرادی دعوت کنیم که در کاروان ما کارهای اداری را انجام دهند؛ مانند تهیه چادر و جا و کرایه کردن خانه در مکه و مدینه و...

از این افراد، کسانی را می‌شناسم که از الآن با عربستان مکاتبه می‌کنند و جواب نامه‌های خود را در تهران می‌گیرند. یکی از این افراد در نامه‌اش نوشته بود که من نمی‌توانم خوب عربی صحبت کنم. در پاسخ نامه‌اش از مدینه نوشته بودند اگر جا و مسکنی را که در سال گذشته گرفته بودید، می‌خواهید، برایتان نگه داریم.

لازم هم نیست کسی مثلاً برای تهیه مسکن، حتماً به مدینه یا مکه سفر کند. با مکاتبه از تهران هم می‌شود آن را انجام داد. بنابراین، یکی - دو نفر در کاروان، به صورت پادو، این کارها را انجام می‌دهند. ما می‌توانیم از چنین کسانی دعوت کنیم که این قبیل کارهای کاروان را به عهده بگیرند و ما هم بر کارهای آن‌ها نظارت داشته باشیم. هدف ما این است که کاروان نمونه داشته باشیم و کاروان داری را بهتر از دیگران ساماندهی کنیم. پس، از تجارب آن‌ها استفاده کنیم، خودمان هم نظارت داشته باشیم. بنابر این، می‌توانیم امور اداری و غیر اداری را خودمان حل کنیم و در تهیه غذا و خوراک و مسائل سکونت و... از تجربیات آنان بهره ببریم. وقتی در سال اول و دوم از تجارب آن‌ها استفاده کردیم، از سال‌های بعد می‌توانیم به‌طور مستقل کاروان را اداره کنیم و می‌توانیم آن‌ها را استخدام کنیم. در این

درصد تقریب مشخص کرد و پول گرفت و اگر در آخر زیاد آمد، آن مثلاً ده درصد را، همانطور که جناب آقای میناچی فرمودند به صاحبانشان بر می گردانیم و یا با اجازه خودشان صرف امور خیریه می کنیم.

**آقای مزینی:** اگر جزء جزء مسائل کمیسیون بخواهد در جلسه عمومی مطرح شود، وقت زیادی از آقایان گرفته می شود. قاعده این است که در این جلسه کلیات مطالب را مطرح و تقسیم کار کنیم. از آن لازم تر این است که اصلاً ببینیم بنیه و توان ما چقدر است؟ این مطلب را تلفنی خدمت جناب آقای مطهری عرض کردم که مشکلات و نقایص کار بسیار است و اقدام برای آن هم لازم، اما باید ببینیم مقدرات و توانایی های ما چه اندازه است و به کجا می توانیم تکیه کنیم.

در جلسه گذشته بحثی بود که ما وقتی به حج مشرف می شویم، علاوه بر انجام مناسک، آیا وظیفه دیگری هم داریم؟ نقایصی را که در کار مردم می بینیم، آیا موظف به رفع آن هستیم؟ مثلاً افراد زیادی به ذبح قربانی با وضعیت کنونی اعتراض دارند، آیا ما جوابی در این مورد داریم یا نه؟ مباحث مختلفی مطرح شد؛ در مورد سردخانه و امور دیگر. البته چون ما قبلاً مطالعه داشتیم، می دانستیم که راه اندازی سردخانه عملی نیست، برای این که اصلاً صرف نمی کند؛ ما حساب کردیم که اگر بخواهد یک میلیون گوسفند کشته شود؛ آن هم یک ساله

صورت تعیین هزینه کار آسانی است. بعضی خرج ها از حالا وضعیت روشنی دارد. کرایه هواپیما، مخارج گذرنامه، کرایه خانه در مکه و مدینه و... را به طور تقریبی می توان حساب کرد. می ماند مخارج خوراک و مانند آن، که البته همان خوراک را هم می توانیم تا حدی خودمان برآورد کنیم. در نتیجه، هزینه کلی حج را با ده درصد تقریب، از حالا خودمان می توانیم برآورد کنیم و معادل بگیریم.

بنده در سال اول تشریف، با یک گروه پانزده نفره عازم حج شدیم و یک آشپز استخدام کردیم، پول گذرنامه و طیاره اش را دادیم و دو هزار تومان هم کارمزد به وی دادیم که از ایران برنج و چیزهای لازم را تهیه کرد و آن ها را با خود بردیم. در خدمت حاج آقا سعادت بودیم. هنگام برگشت، وقتی به جده رسیدیم، بنده به عتبات مشرف شدم و بقیه به تهران برگشتند. هزینه را که محاسبه کردیم نفری سه هزار و هفتصد تومان شد و این در حالی است که ما هزینه های اضافی هم کرده بودیم؛ مثلاً دو دستگاه وانت شانزده نفره درست کرایه کردیم که ما را از مدینه به مکه برد و سه - چهار روز عملیات حج (ایام تشریق)، در عرفات و مشعر و منا همراه ما بودند. و همچنین در مکه ساختمان بزرگ دوطبقه کرایه کردیم و پول خوبی به آن دادیم. با وجود خرج های فوق برنامه که کرده بودیم، نفری سه هزار و هفتصد تومان تمام شد. پس برآورد هزینه حج کار مشکلی نیست و می توان حدود آن را، با ده یا پانزده



باشد، نر باشد و نقص نداشته باشد و... لازم‌ه‌اش این است که پانزده میلیون گوسفندداری بکنیم تا بتوانیم یک میلیون در سال مصرف کنیم در هر صورت این‌ها مسائلی است که باید در جای خودش بحث شود...

به نظر بنده، ما باید در اینجا مباحث کلی را مطرح و آن را تجزیه کنیم و به الأهم فالأهم عمل کنیم؛ یعنی از میان «اهم» و «مهم»، اهم را بگیریم و مهم را فعلاً رها کنیم؛ چون به همه کارها نمی‌رسیم. وقت هم تنگ است.

در مورد کاروان نمونه، به نظر بنده، در باره جزئیاتش هم صحبت شد و مسأله حل شده است. همانطور که فرمودند: کاروان نمونه برای یک سال که نمونه نیست، باید سال‌ها نمونه باشد. اگر در سال اول از پول زیاد آمد صرف کارهای سال بعد می‌شود و...

ما الآن کار زیادی داریم. باید نواقص را رفع کنیم. کتابچه چاپ کنیم و... با این وضع چرا باید به کارهای دیگر پردازیم؟! ما چرا باید پاتوی کفش به اصطلاح دستگاه‌های اقتصادی یا حمله داری کنیم؟! راه پیشرفت ما این است که نقش سر حکمی داشته باشیم، نه این که خودمان مستقلاً عمل کنیم. اگر احیاناً نصایح و توصیه‌های ما را نپذیرفتند، آنگاه خودمان مستقلاً یک جزء از کار یا تمام کار را عهده دار می‌شویم. معلوم است که اگر خودمان عهده‌دار امور اجرایی شویم؛ بسیار مشکل است، مگر این که همه افراد از رفقا و دوستان خودمان باشند و نواقص را نادیده بگیرند و اعتراض نکنند، وگرنه

اعتراضات زیاد است. ممکن است تمام مسائل حج را کنار بگذارند و در مورد سرخ نشدن قورمه سبزی بحث کنند و چنین چیزی اصلاً بعید نیست. و بعد هم به ما اعتراض کنند که این چه دستگاهی است، صد رحمت به دستگاه فلان! چقدر خوب بود! و چه خوب به ما رسید و... اصلاً هدف حج را رها کرده و به وجهه دیگری رفته است.

ما از پس چنین حرف‌هایی بر نمی‌آییم. همه اعتراضات از یک سنخ نیست. می‌گویند ما رفتیم بد بود!

به نظر من، ما باید کارمان را تقسیم کنیم. جناب آقای مطهری فرمودند که آقایان اهل علم مطالعه کرده، راه حلی پیدا کنند و بعد به عرض مراجع تقلید برسند. اگر مورد تأیید آن‌ها قرار گرفت، گویا یکی از آقایان هم تأیید فرموده‌اند اجمالاً و دیگران هم اگر تأیید بفرمایند، یک مرحله از کار طی شده است. بعد ببینیم که نقایص دیگرمان چیست؟

و آن چه که در باره کاروان نمونه مطرح شد، اگر صلاح بدانید چند نفر از آقایان حمله دارها را دعوت کنیم و به آن‌ها بگوییم که ما فلان نقص را در کار شما می‌بینیم و حاضریم همکاری و کمک رایگان در اختیار شما بگذاریم و معاضدت کنیم که این نواقص شما برطرف شود، نظر پولی و مادی هم نداریم. فقط می‌خواهیم ایرادهای شما را رفع کنیم. در اموری با شما همکاری می‌کنیم که خودتان وقت پرداختن به آن را ندارید. این نظر بنده است. پس ما باید ابتدا

است خرج کند. بهترین مسکن را اجاره کند و بعد عهده‌دار برنامه‌های آموزشی شود. تنها این نباشد که بساطی پهن کند و به افراد غذای خوب بدهد، صبح بخورند و تا غروب بخوابند! مثلاً در کاروانی که ما بودیم، افرادی می‌گفتند: ما آمده‌ایم که اعمالمان را درست انجام دهیم. ما باید بدانیم که حولهٔ احرام را چگونه ببندیم. به آن‌ها گفتم: آقا! این که کاری ندارد از کتاب بخوانید، می‌فهمید که چه‌گونه باید ببندید. بیایید پای سخنرانی بنشینید و حقیقت حج را بفهمید، حاضر نبودند شرکت کنند و کمی به خودشان زحمت بدهند!

اگر منظور این است که بروند حج و فقط همان اعمال خشک را انجام دهند و سرشان را بیندازند پایین و برگردند، همین کاروان‌ها برایشان خوب است، ولی اگر کسی می‌خواهد واقعاً از هدف اصلی حج آگاه شود و استفاده کند، باید با کاروانی برود که خود آن کاروان هم آمادگی داشته باشد برای طرح‌ریزی این برنامه‌ها.

ما نمی‌توانیم از حمله دارها، آن کاروان ایده آل و آرمانی را توقع داشته باشیم. جناب آقای مزینی فرمودند که از عهدهٔ ما ساخته نیست. باید با آن‌ها صحبت کنیم و... اما آن‌ها به ما قول می‌دهند و عمل نمی‌کنند. نمونه‌اش همان بود که ما دیدیم. برای این که او نفع خودش را می‌خواهد و از گوشه و کنار هزینه می‌زند تا سود بیشتری گیرش بیاید و هیچ‌کدام از این کارها و خواسته‌های ما را انجام نمی‌دهد.

تجزیه و تحلیل کنیم که خودمان چه کارهایی را می‌توانیم انجام دهیم و چقدر بنیه و توان داریم، بعد محاسبه کنیم که چگونه می‌شود امور را حل کرد.

من عذر می‌خواهم از این که بی پروا و رُک صحبت می‌کنم. این نتیجه‌ای است که بنده در گذشته دیده‌ام و می‌دانم به نتیجه نمی‌رسیم. مدتی زحمت کشیدیم خودمان خسته شدیم. کم کم گله از داخل شروع شد.

### یکی از حضار: در سال گذشته ما با این‌ها

صحبت کردیم و گفتیم افرادی در حسینیهٔ ارشاد هستند که می‌خواهند تحت یک برنامهٔ منظم به حج مشرف شوند، شما بیایید با ما قرارداد ببندید در مورد پذیرایی، مسکن، برنامه‌های آموزشی و مذهبی و... گفتند: بسیار خوب، هرطور که شما بگویید. قول دادند که خواسته‌های ما را برآورده کنند. وقتی رفتیم، به بعضی از آن‌ها عمل کردند، ولی نه آن‌گونه که ما انتظار داشتیم. معلوم است که آن‌ها حساب سود و نفع خودشان را می‌کنند؛ می‌کوشند جوری برنامه‌ریزی کنند که بهرهٔ مادی بیشتری ببرند. فرض کنید اتفاقی که ده نفر ظرفیت دارد، در اختیار بیست نفر می‌گذارند. غذا را از یک گوشه‌اش می‌زنند. هرکاری را که می‌توانند انجام می‌دهند تا در آخر مثلاً دویست هزار تومان بیشتر برایشان بماند.

حال اگر یک کاروانی به دنبال این نفع نباشد؛ مثلاً پنج هزار تومان بگیرد اما هرچه لازم



عرض کردم که ما نمی‌توانیم این کار را بکنیم، چون این کاره نیستیم. ما نمی‌توانیم بایستیم دستور غذا بدهیم یا غذا بپزیم. از افرادی که صلاحیت دارند پیدا کنیم و با آنها قرارداد ببندیم و کارمزد بدهیم و آنها هم نفعی داشته باشند.

با محاسبه دقیق‌تری که بنده در سال گذشته کردم، بهترین جا را اگر بگیریم، بهترین غذا و بهترین برنامه‌ها را اجرا کنیم، هزینه هر نفر چهارهزار و پانصد تومان می‌شود در حالی که آنها شش هزار تومان از زائر می‌گیرند و خودشان هم اقرار دارند که استفاده می‌کنند.

در دو شب گذشته، یکی از صاحبان رستوران‌های خیلی خوب قلهک را دیدم و با او در این باره صحبت کردم. گفت: خیلی‌ها از طرف کاروان‌ها دنبال من آمدند، ولی نپذیرفتم. شما با چنین برنامه‌ای، اگر بخواهید با کمال میل حاضر و تعهد می‌کنم که کاروان را از هر جهت اداره کنم.

اگر با چنین آدم منظمی، که هدف مادی ندارد، دلش هم این است که تاکنون به دنبال کاروان درست کردن نبوده و می‌توانسته مانند دیگران قراردادی ببندد و سودی ببرد.

اگر چنین شخصی مدیریت کند، دیگر کسی نمی‌تواند به غذا اعتراض کند. از نظر برنامه‌های مذهبی و برنامه‌های رسمی هم که خود ما برنامه را تنظیم می‌کنیم، افرادی را هم در اختیارش می‌گذاریم؛ کسانی که بتوانند با دستگاه‌های دولتی عربستان در ارتباط باشند و

اتومبیل کرایه کنند و چادر تهیه نمایند و... در آخر کارمزد بگیرند. ما هم هیچ کاری نکنیم و فقط فکر بدهیم.

معلوم است اگر کار میان افراد ذی صلاحیت تقسیم شود، کاروان نمونه می‌شود و اگر افراد این کاروان آن کلاس‌های ویژه را بگذرانند و به حج بیایند، حقیقت حج را درک خواهند کرد و الا اگر گیر این کاروان‌چی‌ها بیفتند، همان مصایبی که بود، ادامه خواهد داشت.

**استاد مطهری:** در اینجا لازم است دو مطلب را عرض کنم:

۱. گاهی ناراحتی‌هایی از خود این مسافرت برای بعضی پیدا می‌شود. بعضی از افراد تحمل بیشتری در برابر سختی‌ها دارند. به عکس بعضی هستند به برخی مسائل اهمیت نمی‌دهند. بسیاری از ناراحتی‌ها شاید در معاشرت‌ها ایجاد می‌گردد؛ مثلاً در سوار شدن به هواپیما و پیاده شدن از آن، روح انسان چقدر رنج می‌بیند. انسان باید مسابقه بگذارد تا در هواپیما جا گیرش بیاید؛ نظم و حساب و کتاب نیست. کسی که از این‌جا حرکت می‌کند، باید مطمئن باشد در داخل هواپیما اسیر و گرفتار نمی‌شود. آسایش جسمانی در حدی که لازم است داشته باشد.

۲. مطلب دیگر آگاهانه و زنده بودن این سفر است. لازم است افرادی که به مکه و مدینه می‌روند، و مدت ده روزی که مثلاً در مدینه می‌مانند راهنما داشته باشند تا مطالب

تاریخی مدینه را به طور مختصر و اجمال توضیح دهد. ما وقتی به آن جا رفتیم، با این که مقداری اهل کتاب و مطالعه هستیم، اگر چیزی بیرسند، نمی توانیم خوب پاسخ بدهیم. آدم باید یک چیزهایی را بداند؛ مثلاً خانه امام صادق علیه السلام در کجا بوده؟ مقامات پیغمبر کجا است؟ و... اگر برنامه زنده ای باشد و در ظرف ده روز، به طور اجمال تاریخ ده ساله هجرت را برای زائران بگوید. یا در مدتی که در مکه است، تاریخ مکه ابراهیمی، مقام ابراهیم، حجر اسماعیل، زندگی حضرت رسول، بعثت و... را مرور کند.

ما می خواهیم در طول سال به مردم این مطالب را بیاموزیم اما مردم آمادگی ندارند. در آن جا این آمادگی هست و صد برابر هم هست. در مشاعر خوب می شود این ها را آموخت.

می دانیم که عرفات چه سرزمین مهمی است؛ هم از جهت مکانی و هم از نظر زمانی. اشخاصی به آن جا می روند اما مردد و منتظر هستند کی غروب می شود که از آن جا بروند! باید برنامه ای، مانند برنامه کامل، جالب و زنده ای که امسال حسینیّه ارشاد در آن جا اجرا کرد، ادامه یابد. به خصوص در آن نصف روز، از ظهر تا غروب، دعا و راز و نیاز با حالی اجرا شود. انسان وقتی خودش تنها می رود که نمی تواند و کاروانی هم که چنین برنامه ای را داشته باشد، وجود ندارد. امروز کاروانچی هر قدر هم که ماهر باشد، در احیای حج مهارت ندارد. همچنین در منا آن سه روزی که هستند، باید سه روز زنده باشد.

پس هدف ما از کاروان نمونه آن است که آسایش جسمانی اشخاص در آن تأمین شود؛ ناراحتی هایی که لازم نیست انسان آن ها را تحمل کند وجود نداشته باشد و دیگر این که خود این سفر، سفر زنده ای باشد. البته باید در حول و حوش آن بیشتر اندیشید و باید دید افرادی که می خواهند راهنما باشند و مأمور زنده کردن این برنامه هستند، چه کارهایی را لازم است انجام دهند. اگر این مسائل در کاروانی محقق شد، می توان گفت آن کاروان، نمونه است. در این صورت، کاروان های دیگر هم از آن سرمشق می گیرند. اگر ده تا، بیست تا کاروان این گونه شد، ما دیگر از این کار و برنامه ها دست برمی داریم.

**یکی از حضار:** تمام همّت ما این است کاروان نمونه ای راه اندازی کنیم که سرمشق باشد. نمونه، معنایش همین است که سرمشق بشود. ما باید برداشتی از «نمونه» داشته باشیم که قابلیت سرمشقی داشته باشد. اگر یک کاروانی راه بیندازیم و سه هزار و دویست و پنجاه تومان از هر زائر بگیریم و همین مبلغ را برای هر نفر خرج کنیم، مطمئن باشید از ما شروع می شود و به ما هم ختم می شود. حمله دار از اول تا آخر سال، حواش به حساب و کتاب است که چگونه صرفه جویی کند و از هزینه بکاهد تا سودی برایش بماند. و ما می خواهیم طوری عمل کنیم که دیگران تقلید کنند و قابلیت تقلید داشته باشیم.



یک وقت افرادی مرد خدا هستند و برای رضای خدا کاری را انجام می‌دهند، این فرق می‌کند، همه که اینگونه نیستند. من آن آقای رستورانی قلهک را نمی‌شناسم و نمی‌دانم تا چه اندازه می‌تواند از عهده این کار برآید. معلوم است که اداره یک رستوران در تهران با اداره آن در صحرا تفاوت زیاد دارد.

اگر ما موفق شویم یک درصد کاروان‌ها را اصلاح کنیم و نفع داشته باشد، بیشتر توفیق یافته‌ایم تا صد درصد آن‌ها را اصلاح کنیم بدون این که نفعی در میان باشد. چون آن یک در

صد نفع دارد و این صد در صد نفعی ندارد. باید بگونه‌ای عمل کنیم که بتوانیم نافذ باشیم. به نظر بنده خواستن آن‌ها و به ایشان گفتن، لااقل اتمام حجت است که آقایان! ما گفتیم و شما شنیدید، چیزی هم از شما نخواستیم. البته اول باید برای خودمان معلوم باشد که چه می‌خواهیم؛ حقیقت این است که ما باید طوری عمل کنیم که میان حاجی و غیرحاجی فرق باشد. این فرق در دانستن تاریخ آن جا حاصل نمی‌شود. حاجی باید آدم جدیدی باشد، همان انسان قبل نباشد. معلوم است که زحمت هم



بررسی مشکلات حاجیان پیش از انقلاب

دارد. آسان نیست. پس باید خودمان اول بفهمیم که باید چه کنیم حالمان تغییر کند و بعد، از دیگران بخواهیم...

بعضی می‌گویند سی سفر یا چهل سفر حج رفته ایم! باید پرسید چه تغییری در شما ایجاد شده است؟ من استدعا می‌کنم از حضرت آقای مطهری که یکی از جلسات را اختصاص دهند به همین مطلب تا استفاده کنیم که قبل و بعد از حج باید چه تغییری در ما ایجاد شود؟

یکی از حضار: امروزه حمله‌دارها به منافع اقتصادی خود می‌اندیشند و در این سو فعالیت می‌کنند. اما شما می‌خواهید روی منافع معنوی فعالیت کنید، این دو، با هم معارض‌اند و قابلیت تقلید در آن‌ها نیست.

ما می‌خواهیم کاروانی تشکیل دهیم که هدفش به دست آوردن منفعت نیست. کاروانی که از هر حاجی هزار و پانصد تومان منفعت می‌برد، نمی‌تواند از ما تقلید کند. خواست او با خواست ما معارض است؛ اگر چنین کند، هزار و پانصد تومان از دستش می‌رود. من نمی‌گویم این کار را نکنیم اما مطمئن باشید این کار ما برای آنان قابل تقلید نیست.

یکی دیگر از حضار: برای این که ما بتوانیم اثرگذار باشیم، راه خوبی وجود دارد و آن این که از افرادی که تصمیم دارند با کاروانی عازم حج شوند و حج خود را به‌جا آورند، دعوت کنیم در کلاس‌های ما شرکت کنند و معارف و فلسفه حج را به آن‌ها آموزش دهیم و در مورد تاریخ اماکن مکه و مدینه مطالبی در اختیارشان بگذاریم تا زمانی که همراه کاروانشان هستند، از جهت اخلاقی و معارف حج، بتوانند رهبری معنوی کاروان را به عهده بگیرند و جلسات تربیتی تشکیل دهند؛ به خصوص اگر آن افراد هدفدار باشند؛ یعنی به کاری که می‌کنند، معتقد بوده و ایمان داشته باشند. این راهی است برای نفوذ در کاروان‌ها و جلب افراد با روحیه و معنویت‌گرایی که با کاروان‌ها عازم حج می‌شوند.

این افراد می‌توانند در طول سفر حج، با ملل مختلف تماس بگیرند و تفاهم داشته باشند. خلاصه آنچه گفتم این شد که: باید افرادی را تربیت کنیم که برای رهبری معنوی کاروان، کار روحانی ورزیده و کاردان را انجام دهند.